

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 42)

سربازان امریکایی و بیرحمی های آنان

باساس اسناد و گزارش های نشرشده از منابع مؤثق، مجموع ارتش ایالات متحده امریکا را افراد سالم، یکدست، صاحب پرنسپ های لازم نظامی و رعایت کننده موازین پذیرفته شده جنگی تشکیل نمیدهد. بلکه عمدتاً از چند بخش آتی ساخته شده است :

الف) افراد و افسران باسواد، تحصیل کرده و آگاه از پرنسپ های لازم نظامی

ب) افراد مزدورو برخاسته از ملیت های مختلف که بروفق عقد قرار داد های رسمی، شامل ارتش میشوند.

ج) مستخدمین مربوط به کمپنی های " سکورتی " یا حفاظتی که ازسوی وزارت دفاع امریکا تمویل و حمایت میشوند .

د) افراد جنایی یا دارای سوابق جرمی و روانی که ازرندان های امریکا در بدل اشتراک در امور جنگی، بویژه در خارج از قلمرو امریکا آزاد میشوند. بخصوص، مزدورانی که از سوی کمپنی های حفاظتی، تسلیح میگرددند.

این ارتش با این ساختار و ماهیت، درکشور های مختلف جهان مانند ویتنام، افغانستان، عراق، بالکان، خاور میانه و غیره، تا آنجا که ثابت شده است، مرتکب قتل و شکنجه و جنایت های غیرانسانی زیادی شده و میشوند. در افغانستان نیز این ارتش مختلط،

درمواقع و مناطق مختلف کشور عزیز ما دست به کشتارها و جنایت های تکان دهنده بی یازیدند که قسماً در صفحات گذشته از آنها یاد کردیم. با آنها هم مورد خواهد بود جستار های دیگری از آنها هم اعمال نا روای ضد انسانی را نیز در اینجا درج نماییم :

"پرس تی وی " در ماه مارچ سال 2010 میلادی، گزارشی را در مورد یک " تیم کشتار مخفی " که از سوی سربازان امریکایی تشکیل داده شده و چندین افغان غیرنظامی و بی تقصیر را دستگیر و بمنظور " تفریح " و خوشگذرانی شخصی شکنجه نموده وحتا انگلستان دست آن بیگناهان را قطع و نزد خویش یاد گاری نگهداشته بودند، به نشر رسانید. این " تیم " قاتل، در ولایت قندهار شناسایی شده و رسانه های افغانستان نیز در زمینه، تحلیل ها و تبصره هایی انجام داده تقاضای به محاکمه کشانیدن سربازان جنایتکار را بعمل آوردند. چنانکه " مدیا بنیامین " مؤسس گروه ضد جنگ که عمدتاً متشکل از زنان عدالتخواه میباشد، اظهار داشت که این گزارشها در رسانه های امریکایی راه نمی یابند، یعنی سانسور میشوند، در غیر آن چنین اعمال ضد حقوق بشری ظرف چند سال اخیر بسیار واقع شده اند.

گستره تلفات جانی افراد غیر نظامی افغانستان را میتوان از این آمار رسمی که از سوی دفتر سیاسی سازمان ملل (یوناما) در کابل بیرون داده شده و در نشریه مؤرخ 19 ماه فبروری 2013م شبکه اطلاع رسانی افغانستان بچاپ رسیده است، میتوان حدس زد. در حالیکه این آمار بمثابة جزئی از کل، پنداشته میشود:

<u>سال</u>	<u>تعداد افراد تلف شده</u>
2007 میلادی	1523 نفر
2008	2118 نفر
2009	2412 نفر
2010	2790 نفر

3021 نفر

2011 رر

1145 نفر

2012 رر

13009 نفر (147)

مجموع تلفات در شش سال :

اما، باسّاس یک آماری دیگر که " شبکه اطلاع رسانی افغانستان " آنرا در شماره تاریخی 1390/12/8 خورشیدی خویش به نشر رسانید، طی یازده سال اخیر (از سال 2001 تا 2011 میلادی) به تعداد سی هزار نفر از غیر نظامیان افغانستان کشته شده و شصت هزار نفر زخم برداشته اند. گفته شده که تعداد معیوب و معلول ناشی از جنگها طی همین مدت، در حدود سی هزار نفر تخمین میشود. اما آمارها و گزارش های دیگری نیز به نشر رسیده اند که تعداد تلفات جانی مردم افغانستان را تا بیشتر از یکصد هزار نفر تخمین میکنند.

این نکته را نیز باید متذکر شد که متأسفانه آمار و احصائی علمی و دقیق در مورد تلفات جانی و مالی مردم افغانستان، در دسترس کسی قرار داده نشده است، در حالیکه منابع غربی، درباره تلفات جانی نیرو هایشان هم توجه مبذول می دارند و هم دارای احصائی دقیق میباشند.

این تلفات وسیع مردمان غیر نظامی افغانستان در حالی صورت میگرفت که حامد کرزی رییس جمهور افغانستان به مراتب از مقام های نظامی امریکایی، ناتو و دیگران تقاضا بعمل می آورد تا منازل و مساکن مردم را بمباران نکنند و غیر نظامیان را نکشند. جنرالان ناتو نیز در هر باریکه با رییس جمهور دیدار مینمودند، تعهد می سپردند که دیگر چنین خطایی را تکرار نخواهد کرد، و اما پیهم تکرار میشد.

گزارش های دیگری نیز در ماه فبروری سال 2013م به نشر رسیدند که ناشی از شلیک نیرو های ارتش امریکا بالای کودکان و نوجوانان افغان بود. به اساس این گزارشها، برخی از فرماندهان ارتش امریکایی طی مصاحبه های شان با نشریه " میلیتری تایمز " امریکا اعتراف نموده اند که " واحد های تحت امر آنها نه فقط نیرو های نظامی سنتی طالبان، بلکه نوجوانان

و کودکانی را هم که بعنوان بازوی اطلاع رسانی و جاسوسی آنها عمل میکنند ، شناسایی و دستگیر میکنند..." (148)

حادثه دیگری که درعین حال خشم اهالی تالقان را بر انگیخت عبارت از آن بود که شب بیست و هشتم ماه ثورسال 1390 خورشیدی، چهارهلیکوپتر نیرو های خارجی، شب هنگام بصورت ناگهانی در قریه " گومالی" ولایت تخار فرود آمده سربازان خارجی به جست و جوی منازلی چند پرداختند. آنها درحالیکه اهالی قریه را از منازل شان به بیرون انتقال داده بودند، به تعداد چهار تن اعضای یک فامیل را بدون دلیل به قتل رسانیده و محل را ترک گفتند. فردای این حادثه، اهالی " گومالی" با سایر شهروندان تالقان، در حالیکه اجساد کشته شده ها را به دوش حمل میکردند، دست به تظاهرات اعتراضی دامنه داری زدند.

رادیو " دویجه وله " در ماه اپریل 2013 م خبر داد که در اثر حمله هوایی نیرو های ناتو در شهرک سلیمان خیل ولایت غزنی، به تعداد چهارتن از پولیس های محلی افغان کشته شدند. یک هفته قبل از آن نیز در اثر حملات هوایی نیرو های ناتو در ساحه " اسفنده " این ولایت، به تعداد دو معلم مکتب و هفت نفر غیر نظامی کشته شده بودند.

نشریه الکترونیکی " فارسی - رو" بتاريخ بیست و سوم ماه نوامبر 2013م به نقل از دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری افغانستان گزارش داد که " نیرو های خاص امریکایی بتاريخ 28 عقرب سال روان در قریه شبدیانی شهرک بتی کوت ولایت ننگرهار، بالای یک خانه حمله نموده دو برادر به نام های شاکرالله و روشن را که پیشه گلکاری و نل دوانی داشتند، به شهادت رسانیدند.

رابرت بلیز، سرباز دیگر امریکایی بود که در یکی از شبهای ماه مارچ سال 2012 میلادی از پایگاه نظامی اش بسوی قریه یی در نزدیکی های قندهار حرکت کرد و با سلاح دست داشته اش، به تعداد شانزده نفر افراد ساکن آنجا به شمول زن، مرد و کودک را بگونه بسیار بیباکانه و خون سردانه به قتل رسانید و به پایگاه خویش برگشت. هر چند گفته شد که قاتل تنها نبوده،

بلکه وی یکی از چند تفنگدار امریکایی بود که دست به این عمل وحشیانه زدند، اما مقام های ارتش امریکا، نهایتاً همان یک نفر را قاتل اعلام نموده اورا به بیست سال حبس محکوم کردند. قاتل طی اعترافات کتبی خویش که از طریق رادیو " دویچه وله" آلمان به نشر رسید، اظهار داشت که " در جریان چهارموریت جنگی، دلسوزی و رحم خود نسبت به افغانها و عراقی ها را از دست داده بودم... جنگ مغزم را به تحلیل برده بود. من در اکثر این ده سال، جنگ و نفرت کاشته و حاصل آن را خشونت برداشت کرده بودم... من نسبت به آنها {افغانها و عراقی ها}، حتا بعنوان بشر بی عاطفه و سنگدل شده بودم..."

این نکته را نیز باید در همینجا متذکر شویم که در هفته اول ماه جنوری سال 2009 میلادی، عده یی از وکلای پارلمان افغانستان فیصله یی را صادر کردند که باساس آن جنایتکاران جنگی نیرو های خارجی در افغانستان محاکمه شوند و اما، از آنجا که نه رییس جمهور و نه پارلمان کشور در تحت اشغال نیرو های خارجی، صلاحیت اجرایی و استقلال سیاسی نداشتند، هیچ مقامی به این فیصله نامه وقعی نگذاشت. اظهارات " یونس قانونی" رییس پارلمان افغانستان در این مورد جالب بود که بتاريخ بیست و هشتم ماه دسامبر سال 2009 میلادی گفت: " ایکاش این موضوع به تلفن من حل شود، ایکاش این مسأله به تلفن رییس جمهور تان حل شود. متأسفانه مشکل پیچیده تر از چیزی است که ما و شما فعلاً عنوان میکنیم..."

موازی با بمباران های کورکورانه و کشتار افراد غیرنظامی در افغانستان، نیروهای امریکایی، به نابودی قرا و قصبات، اشجار و کشتزارهای مردم فقیر افغانستان نیز پرداختند. مثلاً، در ارغنداب ولایت قندهار، قریه سرسبز و آبادان بنام (تارک کلاچ) را به وسیله بمباران شدید هوایی کاملاً ب خاک یکسان کردند که عکس زیر نشان دهنده روشن آنست.

عین عمل را در نقاط دیگر افغانستان مانند تگاب و نجراب مربوط ولایت کاپیسا نیز انجام دادند که موجب اعتراض های دامنه دار اهالی آنجا گردید. این اقدامات تبهکارانه، البته نشانه همان انتقامکشی های کورکورانه مقام های امریکایی بود که بجای تروریستان اصلی و شناخته

شده، مردم دردمند و حرمان کشیده افغانستان را هدف قرار میدادند. چنانکه تعدادی از محافظه کاران نوین مربوط اداره " بوش " قبلاً در این موارد اظهاراتِ خشمگینانه یی بعمل آورده بودند.

. در همین شب و روز، منابع مطلع از افغانستان گزارش دادند که طیاره های بدون سرنشین بریتانیا نیز چهارتن از افراد غیر نظامی را در ولایت هلمند به قتل رسانیدند. سازمان " انتی وار " با تأیید این حادثه، علاوه کرد که مقامات نظامی بریتانیا نیز در اواخر ماه مارچ سال 2011م موازی با نیروهای ناتو، بس ها و عراده های حامل افراد غیر نظامی را هدف قرار داده است.

متعاقب آن، اهالی شهرک بگرام واقع در ولایت پروان، جایی که بزرگترین میدان هوایی افغانستان و مجهزترین پایگاه نظامی امریکایی ها با زندان بزرگ آنها موقعیت دارد، دست به تظاهرات اعتراض آمیز ضد امریکایی زدند. تظاهر کننده گان بخاطر عملیات کورکورانه که موجب مرگ تعداد زیادی از اهالی بیگناه کشور میشود، خشمگینانه، شعار ضد امریکایی سر دادند.

اهالی ولایت ننگرهار نیز بتاريخ بیست و سوم ماه فبروری سال 2012 میلادی بخاطر بمباران کورکورانه هوا پیمای های امریکایی که از طرف شب صورت میگرفت و موجب و کشتار اعضای خانواده های بیگناه و بی تقصیر میشد، دست به تظاهرات دامنه داری زدند. در ولایت بلخ، کنر، میدان وردک و سایر مناطق کشور نیز تظاهرات اعتراضی و خشمگینانه مردم، با سردادن شعار های ضد امریکایی و به آتش کشیدن آدمک ساخته گی رییس جمهور امریکا انجام داده شد.

اهالی ولایات خوست و غزنی در هفته سوم ماه سرطان (جولای) سال 1390 خورشیدی، تظاهرات خشمگین ضد امریکایی وانگلیسی را به راه انداختند. زیرا، در نتیجه بمباران

طیاره های قوای " ناتو" درخواست، به تعداد سیزده تن و درغزنی دوتن از افراد غیر نظامی به قتل رسیدند.

به سلسله تظاهرات اعتراضی مردم افغانستان در کابل و سایر ولایات، بتاريخ جمعه اول ماه اپریل سال 2011 میلادی، تظاهرات و راه پیمایی هایی درهرات، شبرغان، مزار و بامیان به راه انداخته شد. انگیزه این تظاهرات اعتراضی این بود که یکی از کشیشان امریکایی بنام " جونز" در ایالت کالیفورنیا، بتاريخ هجدهم ماه مارچ، کتاب مقدس مسلمانان (قرآن) را آتش زده بود. اهالی مزار که معمولاً نماز جمعه را در مسجد جامع روضه برگزار مینمایند، در اول ماه اپریل نیز که مصادف به روز جمعه بود، پس از ادای نماز، البته به تحریک و تلاش عده یی از روحانیون و ملاهای بنیاد گرای مذهبی دیگر، شعارهای ضد امریکایی بالا شد و تظاهرات به راه افتاد. سازمان دهنده گان این تظاهرات، مردم را بسوی دفتر "یوناما" که متعلق به سازمان ملل میباشد، به حرکت درآوردند. ولی در برابر عمارت "یوناما"، میان محافظان آنجا و تظاهرکننده گان درگیری صورت گرفت و خشونت خونین بار آورد. مردم خشمگین، پس از خلع سلاح کردن و قتل پنج تن از محافظان، بالای دفتر مذکور هجوم برده در عین حالیکه سه تن از کارمندان خارجی آنجا را نیز به شیوه طالبان سر بُریدند، دست به غارتگری نیز زدند که در اثر مداخله و شلیک مأمورین امنیتی، به تعداد پنج تن دیگر هم کشته شده و سی نفر زخمی گردیدند.

مقام های محلی در پایان این ماجرا گفتند که گروه طالبان در دامن زدن خشونت دست داشتند، چنانکه سخنگوی گروه مذکور نیز مسوولیت این حادثه خونین را بدوش گرفت. یکروز پس از آن، تظاهرات خشمگینانه دیگری به عین مناسبت در شهر قندهار به راه افتاد که دو روز دوام کرد. در آنجا نیز هشت تن کشته و سی تن دیگر زخم برداشتند. (ادامه دارد)